

## پیش از اینها - صفحه ۱۲

## #تاریخ ادبیات:

هاتف اصفهانی: صفحه ۱۴۴ / قیصر امین پور: صفحه ۱۳۸ کتاب درسی

## #معنای لغات:

قصر: کاخ / خشت: نوعی مصالح ساختمانی، آجر خام / برج: ساختمان‌های بلند، قصر / عاج: دو دندان پیش و بالایی فیل که بسیار گرانبهاست / بلور: نوعی شیشه / غرور: تکبر / طنین: صدا، آوا / نعره: فریاد / توفنده: پر خروش، خروشان، غوغا کننده / بی‌رحم: نامهربان / نیت: قصد، آهنگ، عزم / تصویر: عکس (در اینجا به معنی تصور) / خلوت: دور از دیگران، تنهایی / ریا: دورویی، نفاق / بوریا: حصیری که از نی می‌سازند. / کینه: دشمنی

## #معنای شعر:

**بیت آغاز فصل:** با پرورش معنوی دل خود، بصیرت و آگاهی کسب کن تا بتوانی حقایق را که با چشم ظاهری و مادی نمی‌توانی ببینی، از راه دل، درک کنی.

**بیت اول:** در گذشته فکر می‌کردم که خدا در میان ابرها خانه دارد و زندگی می‌کند.

**بیت دوم:** آجرهای خانه‌اش مانند قصر پادشاه قصبه‌ها، از الماس و طلا ساخته شده است.

**بیت سوم:** پایه‌های قصرش از عاج فیل و بلورهای گران قیمت ساخته شده است و خدا با غرور و خودخواهی بر روی تختی نشسته است.

**بیت چهارم:** {فکر می‌کردم} ماه، نور کوچکی از تاج خداست و ستاره‌ها، پولک‌های براق تاج خدا هستند.

**بیت پنجم:** {فکر می‌کردم} رعد و برق ترسناک، صدای خنده‌ی خداست و سیل و طوفان، همان فریاد بلند و وحشتناک او می‌باشد.

**بیت ششم:** هیچ‌کس نمی‌داند که او در کجا زندگی می‌کند و هیچ‌کس هم اجازه‌ی دیدن او را ندارد.

**بیت هفتم:** آن خدایی که من در ذهن داشتم، بسیار سنگدل و عصبانی بود. در آسمان خانه داشت و از مردم دور بود.

**بیت هشتم:** خدا وجود داشت، اما از ما دور بود. مهربان و صمیمی زیبا نبود.

**بیت نهم:** {فکر می‌کردم} در وجود او، عشق و دوستی جایی نداشت و مهربانی برای او بی‌معنی بود.

**بیت دهم و یازدهم:** هر چه از دیگران درباره زمین، خودم و خدا و آسمان می‌پرسیدم، زود می‌گفتند که این کارها مربوط به خداست و پرسیدن درباره‌ی کار خدا اشتباه است.

**بیت دوازدهم:** {به همین خاطر} من از روی ترس و وحشت از عصبانیت خدا او را عبادت می‌کردم.

**بیت سیزدهم:** در گذشته، همیشه ناراحت و غمگین بودم و از خدا چنین تصور (اشتباهی) داشتم.

**بیت چهاردهم:** تا این که یک شب به همراه پدرم به سفری رفتم.

**بیت پانزدهم:** در میان راه، به روستایی رسیدیم و در آنجا خانه‌ای را دیدیم که بسیار خوب بود و برای ما آشنا بود.

**بیت شانزدهم:** زود پرسیدم پدر، این خانه کیست؟ {پدر} جواب داد: این‌جا، خانه‌ی خوب خدا، مسجد است.

**بیت هفدهم:** گفت: در اینجا می‌توان، لحظه‌ای را در گوشه‌ای تنها شد و با اخلاص نماز خواند و با خدا راز و نیاز کرد.

**بیت هجدهم:** می‌توان وضویی بگیری و بانشاط و شادابی و از راه دل با خدا حرف زد.

**بیت نوزدهم:** به پدرم گفتم: پس آن خدای خشمگین، خانه‌اش همین جاست؟ یعنی در زمینی که ما هستیم، خانه دارد؟

**بیت بیستم:** پدر گفت: بله، {اما} خانه‌ی خدا از دورویی و ظاهرپرستی، دور است.

**بیت بیست و یکم:** خداوند مهربان و صمیمی و رفتار او از دشمنی و انتقام، به دور است. خدا مانند نوری در آیین زلال و روشن است.

**بیت بیست و دوم:** خدا خشمگین نمی‌شود و باکسی دشمنی نمی‌کند. خدا نور است و به همان وسیله سبب هدایت بندگانش است.

**بیت بیست و سوم:** تازه متوجه شدم که خدای من، این خدای مهربان و آشنا است.

**بیت بیست و چهارم:** خدا تنها دوستی است که به من بسیار نزدیک است؛ حتی از رگ گردنم به من نزدیک تر.

**بیت بیست و پنجم:** بعد از این، می‌توانم با این خدای پاک و بی‌آلایش، دوست باشم و از روی علاقه او را عبادت کنم.

### #آرایه‌ها:

بیت آغاز فصل: چشم دل: اضافه‌ی استعاری / آنچه نادیدنی‌ست، آن بینی: تناقض (پارادوکس)

بیت دوم: مثل قصر: تشبیه / بیت چهارم: ماه (مانند) برق کوچکی از تاج او است: تشبیه اسنادی - هر ستاره (مانند) پولکی از تاج او است: تشبیه اسنادی / بیت ششم: «را» و «راه»: جناس ناقص افزایشی / راه نیافتن به حضور کسی: کنایه از پذیرفته نشدن / بیت هفتم: آسمان و زمین: تضاد / بیت دهم: واج آرایی «ز» / بیت دوازدهم: ترس، وحشت و خشم: تناسب / دل‌گیر: کنایه از ناراحت و غمگین بودن / دست در دست پدر: کنایه از همراهی، با هم بودن / بیت هفدهم: یک لحظه: مجاز از مدت کم / بیت هیجدهم: دست و رویی تازه کرد: کنایه از شادابی شستن صورت / بیت بیستم: فرش، گلیم و بوریا: تناسب (مراعات نظیر) / بیت بیست و یکم: مثل نوری در دل آینه: تشبیه / دل آینه: کنایه از میان، بین / آینه: در اینجا نماد «وجود انسان» است / بیت بیست و دوم تلمیح دارد به آیه‌ی ۳۵ سوره نور: «الله نور السماوات و الارض» (خدا نوری در آسمان‌ها و زمین است) / تکرار «ش» در بیت ۲۲: واج آرایی / بیت بیست و سوم: تکرار «خدا» / بیت بیست و چهارم تلمیح دارد به آیه‌ی ۱۶ سوره قاف: «و نحن اقرب الیه من حبل الوريد» (و ما به انسان از رگ گردن نزدیک‌تریم)

### #نکات دستوری:

بیت سوم و چهارم: حذف فعل «است» به قرینه‌ی معنوی / «را» در مصراع دوم بیت ششم: به معنی «برای»، حرف اضافه است. / مصراع اول بیت هشتم: «بود» و «نبود» به معنی «وجود داشتن» و غیر اسنادی است / در مصراع دوم «نبود» ← فعل اسنادی / بیت دهم: حذف فعل «می‌پرسیدم» به قرینه‌ی لفظی / بیت دوازدهم: حذف فعل «بود» به قرینه‌ی لفظی / بیت نوزدهم: گفتمش = به او گفتم ← ش: متمم / مصراع دوم بیت بیست و دوم: از دو جمله تشکیل شده است، نام او نور [است] و نشانش روشنی [است]: حذف فعل به قرینه‌ی معنوی / بیت بیست و چهارم: [خدا] دوستی از من به من نزدیک‌تر [است]، [خدا] از رگ گردن به من نزدیک‌تر [است]: حذف نهاد و فعل به قرینه‌ی معنوی

قالب شعر: مثنوی

### #خودارزیابی:

۱- منظور مسجد است.

۲- نور از نام‌های خداست و به وسیله‌ی همان، سبب هدایت بندگان می‌شود.

۳- سفر در زمین و توجه به نشانه‌های آفرینش